

## Abstract

The provisional application of treaties is one of the complex and challenging topics in international law, as addressed in Article 25 of the 1969 Vienna Convention. This article analyzes the legal effects of the provisional application of treaties based on the 2018 report of the International Law Commission. According to this report, the provisional application of treaties allows states to implement certain treaty obligations temporarily before their final adoption. The article examines the concept and conditions of provisional application, its impact on third countries, and the legal challenges it presents in various fields, including human rights and the rights of third countries. Additionally, this study aims to analyze the complex effects of this type of implementation on international relations and domestic legal systems.

**Keywords:** Provisional application of treaties, Article 25 of the Vienna Convention, International Law Commission, legal effect

آثار حقوقی اجرای موقت معاهدات طبق ماده ۲۵ کنوانسیون وین: تحلیل در چارچوب گزارش ۲۰۱۸

کمیسیون حقوق بین الملل

لیلا آئینی<sup>۱</sup> - سجاد احرامی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۱۷

## چکیده

اجرای موقت معاهدات یکی از مباحث پیچیده و چالش برانگیز در حقوق بین الملل است که در ماده ۲۵ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ به آن اشاره شده است. این مقاله به تحلیل آثار حقوقی اجرای موقت معاهدات با تکیه بر گزارش ۲۰۱۸ کمیسیون حقوق بین الملل پرداخته است. طبق این گزارش، اجرای موقت معاهدات به دولت‌ها این امکان را می‌دهد که برخی از تعهدات معاهده را پیش از تصویب نهایی آن به‌طور موقت اجرایی کنند. مقاله به بررسی مفهوم و شرایط اجرای موقت معاهدات، تأثیرات آن بر کشورهای ثالث و چالش‌های حقوقی آن در زمینه‌های مختلف از جمله حقوق بشر و حقوق کشورهای ثالث می‌پردازد. همچنین، این تحقیق تلاش دارد تا تأثیرات پیچیده این نوع اجرا در روابط بین‌المللی و نظام‌های حقوقی داخلی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

**واژگان کلیدی:** اجرای موقت معاهدات، ماده ۲۵ کنوانسیون وین، کمیسیون حقوق بین الملل، آثار حقوقی

حقوق بین‌الملل معاهدات به‌عنوان یکی از ارکان کلیدی روابط بین کشورها شناخته می‌شود که با تنظیم قواعد و اصولی مشخص، تعاملات و توافقات میان دولت‌ها را در سطوح مختلف هدایت می‌کند. در این زمینه، «اجرای موقت معاهدات» به‌ویژه در مقاطع زمانی خاص، مفهوم مهمی است که در قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی به آن پرداخته شده است. یکی از مهم‌ترین ابزارهای قانونی در این حوزه، کنوانسیون وین ۱۹۶۹ است که به تدوین مقررات مربوط به معاهدات بین‌المللی پرداخته و به‌ویژه در ماده ۲۵ به «اجرای موقت معاهدات» اشاره دارد. اجرای موقت معاهدات زمانی رخ می‌دهد که طرفین یک معاهده به توافق می‌رسند که برخی از تعهدات آن را پیش از تصویب رسمی یا لازم‌الاجرا شدن آن اجرا کنند. این فرآیند می‌تواند به تسریع در اجرایی شدن توافقات بین‌المللی کمک کند، اما همچنین آثار و پیامدهای حقوقی خاصی دارد که لازم است به‌طور دقیق بررسی شود.

در این راستا، کمیسیون حقوق بین‌الملل به‌عنوان یکی از مراجع معتبر در حقوق بین‌الملل عمومی، در گزارش خود در سال ۲۰۱۸ به تبیین ابعاد مختلف اجرای موقت معاهدات پرداخته است. این گزارش ضمن تحلیل دقیق مواد مختلف کنوانسیون وین، به‌ویژه ماده ۲۵، آثار حقوقی این نوع اجرا را بررسی کرده و استثنائات و مسائل خاص مرتبط با آن را مورد تحلیل قرار داده است. این مقاله به دنبال تحلیل آثار حقوقی اجرای موقت معاهدات طبق ماده ۲۵ کنوانسیون وین در چارچوب گزارش ۲۰۱۸ کمیسیون حقوق بین‌الملل است، به‌طوری‌که از جنبه‌های مختلف، تأثیرات این مفهوم بر روابط بین‌المللی و حقوق داخلی کشورهای مختلف مورد بررسی قرار گیرد. در راستای تحلیل دقیق شرایط و پیامدهای حقوقی اجرای موقت معاهدات با تکیه بر ماده ۲۵ کنوانسیون وین، و همچنین تأثیرات آن بر کشورهای ثالث و سازمان‌های بین‌المللی سؤال اصلی این است که چه آثار حقوقی ناشی از اجرای موقت معاهدات طبق ماده ۲۵ کنوانسیون وین در روابط بین‌المللی، به‌ویژه نسبت به کشورهای ثالث، حکومت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، و چگونه این آثار در چارچوب گزارش ۲۰۱۸ کمیسیون حقوق بین‌الملل تبیین و تحلیل می‌شود؟ روش پژوهش در این مقاله توصیفی تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای است. هدف اصلی این مقاله، بررسی آثار حقوقی اجرای موقت معاهدات طبق ماده ۲۵ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ و تحلیل آن در چارچوب گزارش ۲۰۱۸ کمیسیون حقوق بین‌الملل است. برای دستیابی به این هدف، پژوهش ابتدا تاریخچه دکترین اجرای موقت معاهدات مطالعه قرار می‌گیرد.

### مبحث اول: تاریخچه دکترین اجرای موقت معاهدات

معاهدات در سراسر تاریخ مکتوب بشر دیده شده است (بلدسو، ۱۳۷۵، ۴۰۳). گفته می‌شود اولین معاهده بین‌المللی تقریباً ۳۱۰۰ سال پیش از میلاد، بین لاگاش و اوما (دو کشور - شهر در حوالی بین‌النهرین) منعقد شده است (میر عباسی، ۱۳۷۹، ۲۴).

در عصر استقلال یونان نیز، یعنی در حدود هزار سال پیش از میلاد، بین این کشور و سایر اقوام غیر یونانی چند معاهده بسته شد (میر عباسی، ۱۳۷۹، ۲۷). پس از آن، در روم باستان، از حدود سال ۵۰۹ پیش از میلاد، گروهی از روحانیون، متکفل اداره مراسم تشریفات مذهبی مربوط به معاهدات و سایر مسائل بین‌المللی بودند (همان: ۲۹). و در واقع، حقوق معاهدات از نظر شکلی و به‌طور کلی، ابتدا در محدوده روابط شاهان بنیاد گرفته است (فلسفی، ۱۳۹۱، ۹۶). معاهدات مهم‌ترین وسیله تنظیم حقوق در روابط متقابل دولت‌ها برای قرن‌ها و در دوران جدید منبعی برای حقوق بین‌الملل بوده‌اند (بلدسوس ۱۳۷۵، ۴۰۳). به‌عنوان نمونه، در قرون وسطی، معاهده صلح معروفی که بین امپراتور روم و خسرو پرویز، پادشاه ایران، منعقد می‌گردد، نمونه‌ای کامل از معاهدات کتبی است (میر عباسی، ۱۳۷۹، ۳۰).

پس از پایان قرون وسطی تا اواسط قرن بیستم نیز دول اروپایی با زیر سلطه در آوردن کشورهای آسیایی، آفریقایی، و آمریکایی، تجارت بین‌المللی خود را گسترش داده و به‌منظور کسب و تثبیت هرچه بیشتر منافع خود، معاهدات مختلفی را با کشورهای تحت سلطه در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، بازرگانی و فرهنگی منعقد کردند. اما مفهوم جدید معاهده را باید متعلق به حقوق بین‌الملل معاصر دانست که پس از معاهده وستفالی (۱۶۴۷ م.) پا به عرصه وجود گذاشت. در قرن هفدهم گروسیوس هلندی در کتاب «جنگ و صلح» خود برای نخستین بار از وفای به عهد<sup>۱</sup>، به‌عنوان یکی از اصول بنیادین حاکم بر روابط بین دولت‌ها، سخن به میان آورده و برای تفسیر معاهدات، شیوه‌های پیشنهاد کرد که از جهات بسیار با مقررات معاهده ۱۹۶۹ وین در این زمینه شباهت دارد.

اما باید توجه داشت که مفهوم معاهده از ۱۸۱۵ (زمان تشکیل کنگره وین) در قلمرو روابط بین‌الملل اعتبار یافت و در مدتی نزدیک به یک قرن و نیم تحولات شگرفی را پشت سر گذاشت (فلسفی، ۱۳۹۱، ۹۲). در حقیقت از آن زمان و به‌ویژه پس از انعقاد معاهدات بزرگ صلح در قرن هیجدهم این حقیقت آشکار شده بود که اداره بخشی از روابط بین‌الملل نیاز به کسب موافقت دولت‌های متعدد دارد. این نیاز ابتدا با جلب موافقت دولت‌ها در چهارچوب معاهدات دوجانبه برآورده شد؛ ولی در آغاز قرن نوزدهم، دولت‌ها به‌طور غیررسمی تصمیم گرفتند به‌جای معاهدات دوجانبه مختلفی که موضوع واحد داشتند، معاهدات چندجانبه منعقد کنند (همان: ۹۴).

این روند تا شروع جنگ‌های ویرانگر جهانی ادامه داشت. در فاصله میان دو جنگ جهانی، علاوه بر روبه‌زوال نهادن نهادهای سلطنتی، همبستگی بین‌المللی رو به رشد دولت‌ها سبب پیدایش سریع معاهدات مختلف گردید و در نتیجه، آیین انعقاد معاهدات را ساده‌تر کرد. پس از جنگ دوم جهانی و با شکل‌گیری فزاینده سازمان‌های بین‌المللی، این سازمان‌ها، خصوصاً سازمان ملل

<sup>۱</sup> pacta sunt servanda

متحد، در امر تدوین حقوق بین الملل اقدامات مفیدی به انجام رسانده‌اند. کمیسیون حقوق بین الملل که یکی از ارکان فرعی مجمع عمومی سازمان ملل متحد است از زمان تأسیس خود تا به حال پیش نویس بسیاری از معاهدات را تهیه کرده که اکثر آنها به تصویب دولت‌ها رسیده است. از این میان می‌توان به معاهدات ژنو درباره حقوق دریاها، معاهدات دیپلماتیک و کنسولی و معاهده مأموریت‌های ویژه اشاره کرد (همان: ۱۱۱)

برجسته‌ترین کار سازمان ملل در این زمینه، تدوین حقوق معاهدات بوده است. در ۱۹۵۰ مجمع عمومی به کمیسیون حقوق بین الملل مأموریت داد حقوق معاهدات را تدوین کند. اقدامات کمیسیون در این باره، به علت اشتغالاتی که در قلمرو حقوق دریاها و مصونیت‌های دیپلماتیک داشت، تا ۱۹۶۰ چندان درخشان نبود و به کندی پیش می‌رفت. اما در ۱۹۶۱ کمیسیون از خود جدیت نشان داد و پیش نویس معاهده را تهیه کرد و در ۱۹۶۴ آن را جهت استفسار نظر دولت‌ها برای آن‌ها فرستاد، تا آن که سرانجام در ۱۹۶۶ پس از دریافت نظر آن‌ها، طرح نهایی معاهده را به مجمع عمومی تسلیم نمود. مجمع عمومی سرانجام در مارس ۱۹۶۸ برای گفتگو درباره این طرح، کنفرانسی در وین تشکیل داد. این کنفرانس در دو اجلاس خود، طرح معاهده وین درباره حقوق معاهدات را به تصویب رساند. در ۲۷ ژانویه ۱۹۸۰، با تحقق شرایط لازم<sup>۱</sup>، معاهده به اجرا گذاشته شد و تا دوم اوت ۲۰۱۲ معاهده به تصویب ۱۱۱ کشور جهان رسید. ایران این معاهده را امضا نموده ولی آن را تصویب نکرده است (همان: ۱۱۴)

## مبحث دوم اجرای معاهدات کنوانسیون وین ۱۹۶۹ بین المللی بر طبق ماده ۲۵ با تکیه بر گزارش سال ۲۰۱۸

برای اینکه معاهده عملاً جزء حقوق بین الملل موضوعه گردد، باید به اجرا درآید. ماده (۲۴) کنوانسیون ۱۹۶۹ وین با تکیه بر گزارش سال ۲۰۱۸ در مورد حقوق معاهدات راه‌هایی را برای اجرای معاهدات پیش‌بینی کرده است که عبارت‌اند از:

- نحوه و تاریخ اجرای هر معاهده به همان شکلی است که در خود معاهده تعیین شده است

- کشورهای شرکت‌کننده در مذاکره بر آن توافق دارند.

در صورت نبود قواعد مشخص یا توافقی در این زمینه، معاهده از زمانی که تمام کشورهای مذاکره‌کننده رضایت خود را در الحاق به آن اعلام کرده‌اند به اجرا درمی‌آید. اگر کشوری رضایت خود را در الحاق به معاهده‌ای پس از به اجرا درآمدن آن

---

<sup>۱</sup> در ماده ۸۴ معاهده قید شده است که سی روز پس از تسلیم سی و پنجمین سند تصویب یا الحاق، معاهده به اجرا گذارده خواهد شد

اعلام نماید، معاهده برای آن کشور زمانی لازم‌الاجرا می‌گردد که آن کشور رضایت خود را اعلام نموده است مگر اینکه معاهده ترتیب دیگری را پیش‌بینی کرده باشد (وفایی، ۱۳۹۵، ۷۱).

### گفتار اول لازم‌الاجرا شدن معاهده

باید گفت میان به اجرا در آمدن و اجرای مؤثر باید قائل به تفکیک شد. به همین جهت کشورها توانسته‌اند از زمان لازم‌الاجراء شدن معاهده تا زمان اجرای قطعی و مؤثر آن، فرصتی برای خود داشته باشند. شکل و تاریخ اجرای معاهده در خود معاهده یا با توافق طرفین شرکت‌کننده در مذاکره تعیین می‌شود. در معاهدات چندجانبه معمولاً معاهده پس از تصویب یا پیوستن تعداد معینی از دولت‌ها به آن به اجرا درمی‌آید. برای مثال "کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها" یک سال پس از تودیع شصت‌مین سند تصویب و کنوانسیون حقوق کودک "۳۰ روز پس از تودیع بیست‌مین سند تصویب یا الحاق اجرایی شدند. (اف. دکر، ۱۳۹۲، ۱۳).

### گفتار دوم اجرای معاهدات متعاقب یکدیگر با موضوع واحد

ماده ۳۰ عهدنامه حقوق معاهدات در خصوص اجرای معاهدات متعاقب یکدیگر که ناظر بر موضوع واحد باشند اشعار می‌دارد:

۱- با رعایت ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد، حقوق و تعهدات کشورهای طرف معاهداتی که متعاقب یکدیگر و در خصوص موضوع واحدی منعقد می‌گردند طبق بندهای زیر تعیین خواهد شد. (برزی، ۱۳۸۲، ۳۰)

۲- در موردی که معاهده‌ای تصریح کند که مشمول یک معاهده قبلی یا بعدی است و یا آنکه نباید مغایر با معاهده قبلی یا بعدی محسوب شود، مقررات آن معاهده دیگر "قبلی یا بعدی" ملاک خواهد بود. (برانلی، ۱۳۹۲، ۵)

۳- در موردی که همه طرف‌های معاهده قبلی طرف‌های معاهده بعدی نیز باشند ولی معاهده قبلی فسخ نشده و با اجرای آن موجب ماده ۵۹ معلق نشده باشد، معاهده قبلی فقط تا حدودی اجرا می‌شود که مفاد آن معاهده بعدی منطبق باشد.

۴- در موردی که طرف‌های معاهده بعدی شامل همه طرف‌های معاهده قبلی نباشند:

الف: بین کشورهای طرف هر دو معاهده، قاعده مذکور در بند ۳ رعایت خواهد شد.

ب: بین کشوری که طرف هر دو معاهده است و کشوری که فقط طرف یکی از آن‌ها است، معاهده‌ای که هر دو کشور طرف آن هستند، حاکم بر حقوق و تعهدات مشترک آن‌ها خواهد بود.

۵- بند ۴ فوق تأثیری بر ماده ۴۱، یا بر هر مسئله مربوط به فسخ یا تعلیق اجرای یک معاهده طبق ماده ۶۰ و یا بر هر مسئله مربوط به مسئولیت که ممکن است برای یک کشور به سبب انعقاد یا اجرای معاهده‌ای که مقررات آن مغایر تعهدات آن کشور در قبال یک کشور دیگر در چهارچوب معاهده‌ای دیگر باشد، پیش آید، نخواهد داشت. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲، ۱۲۶)

### گفتار سوم عطف به ماسبق نشدن معاهده

اصولاً معاهدات اثر حقوقی خود را از تاریخ لازم الاجراء شدن برای آینده ایجاد می‌کند مگر اینکه طرف‌های معاهده قصد دیگر را مقرر کرده باشد در واقع اصل عطف بماسبق نشدن معاهده، تصمیم اصلی است که به‌عنوان قاعده عام حقوقی پذیرفته شده است در این رابطه می‌توان به ماده (۲۸ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین) استناد کرد.

### مبحث دوم؛ طرق مختلف اجرای معاهده با تکیه بر گزارش سال ۲۰۱۸ در حقوق بین‌الملل

#### گفتار اول اجرای تدریجی معاهده

بعضی از معاهدات به‌صورت تدریجی به اجرا درمی‌آید. نمونه بارز آن معاهده روم در سال ۱۹۵۷ است که جامعه اروپا را به وجود آورد. این معاهده ایجاد نهادهای را پیش‌بینی نموده است که برای استقرار هر کدام مدت‌زمانی معین را در نظر گرفته است. (پطرس، ۱۳۹۰، ۲۳۵)

#### گفتار دوم اجرای موقت معاهده

مقصود از اجرای موقت معاهده، اجرای معاهده از زمان پذیرش اولیه متن معاهده تا زمان لازم‌الاجرا شدن قطعی آن است. امکان اجرای موقت چه نسبت به کل معاهده و چه نسبت به بخش از معاهده وجود دارد به شرطی که موضوع در معاهده پیش‌بینی شده باشد و یا طرف‌های مذاکره‌کننده به‌گونه‌ای دیگر در این مورد توافق کرده باشد.

علت اجرای موقت معاهده تسریع در اجرای آن است که فوریت آن برای امضاکنندگان محرز است لذا اعتبار تشریفات تصویب یعنی پیوستن قطعی کشورها به معاهده همچنان به‌جای خود باقی است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰، ۱۲۶)

در خصوص نحوه سازگاری اجرای موقت با قوانین کشورها نیز باید متذکر شد که اجرای موقت تمام یا بخش از معاهده به معنا اجرای قطعی معاهده نیست. نمی‌توان گفت که این خود معاهده است که توسط دولت‌ها به اجرا درآمده است. بلکه می‌توان اذعان کرد که قرار بر اجرای موقت یک معاهده، خود قراردادی است به شکل ساده که برای اجرای موقت معاهده اصلی انعقاد یافته است. این قرارداد در واقع مکمل معاهده اصلی است چون این قرارداد تکمیلی تمام یا قسمتی از معاهده اصلی

را به اجرا درمیآورد. لذا اگر معاهده به صورت قطعی به تصویب برسد، قرارداد موقت اعتبارش را از دست می‌دهد. همان: (۶۵:۱۳۸۷)

### مبحث سوم؛ آثار معاهدات ماده ۲۰ کنوانسیون وین

هر معاهده‌ای پس از لازم‌الاجرا شدن و ورود به نظام حقوقی بین‌المللی معتبر است و باید از سوی طرف‌های آن اجرا شود. از این روست که یکی از ویژگی‌های هر قاعده حقوقی از جمله معاهدات، الزام‌آور بودن آن‌ها برای طرف‌هاست. به دنبال خصوصیت الزام‌آور بودن معاهده به عنوان سند حقوقی، آثار حقوقی را به بار می‌آورد که نه تنها برای طرف‌های آن لازم‌الاجرا است بلکه ممکن است دارای آثار حقوقی در قبال ثالث باشد. (حکمت، ۱۳۶۴، ۳)

یکی از اصول مسلم حقوق معاهدات بین‌المللی؛ اصل وفای به عهد است، که بر مبانی محکم و خدشه‌ناپذیری استوار است؛ به طوری که در منابع مختلف حقوق بین‌الملل مثل خود معاهدات بین‌المللی، عرف بین‌المللی و از همه مهم‌تر به عنوان یک اصل حقوقی، مورد پذیرش از جانب ملل متمدن جهان، قابل شناسایی و تشخیص است. بنابراین پس از لازم‌الاجرا شدن یک معاهده و ورود آن به نظام حقوقی بین‌المللی، اثر و پیامد فوری و بارزی که به همراه دارد و در طول حیات آن نیز کماکان پابرجاست، الزامی بودن آن برای کشورهای متعاقد است (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۸، ۱۲۸)

نظریه غالب در حقوق بین‌الملل آن است که؛ معاهده به خودی خود منبع حقوق داخلی نیست. معاهده موجب تعهداتی برای دولت‌ها در قبال یکدیگر، و یا به عبارت دیگر پدیدآورنده قاعده‌ای است که؛ دولت‌های طرف معاهده باید در روابط متقابل به رعایت آن کمر بندند و در صورت لزوم با استفاده از عوامل مناسب آن را به اجرا درآورند (فلسفی، ۱۳۸۵، ۳۵۲)

ایجاد التزام برای دولت کشورها<sup>۱</sup>، نسبت به معاهدات منعقد، تمام اجزای زنده و واجد خصوصیت رفتاری آن را نیز، به طور غیرمستقیم، در برمی‌گیرد<sup>۲</sup>؛ هر چند در روابط بین‌الملل، مسئولیت اجزای دیگر نیز بر عهده دولت<sup>۳</sup> بوده و هم اوست که باید، به عنوان نماینده دولت کشور، پاسخگوی تعهدات انجام شده باشد.

---

<sup>۱</sup> State

<sup>۲</sup> از اجزای مختلف دولت کشور (حاکمیت، سرزمین و جمعیت)، سرزمین واجد خصیصه رفتاری نبوده و دو عنصر دیگر این خصیصه را دارا هستند

<sup>۳</sup> Government

باهدف اجرای مقررات حقوق بین‌الملل از جمله معاهدات بین‌المللی، در حقوق داخلی، مسئولیت‌ها معین و مشخص می‌شود؛ و هر یک از اجزای دولت کشور، برحسب حقوق و تکالیف معین شده، عهده‌دار انجام بخشی از قواعد بین‌الملل در حیطه رفتاری خود می‌باشند (ذوالعین، ۱۳۷۷، ۳۵). آثار معاهدات بین‌المللی نسبت به جمعیت (مردم) بحث مجزا و ویژه‌ای است که خارج از حیطه بحث حاضر است. در این مقال به بررسی مختصر آثار معاهدات بین‌المللی نسبت به حاکمیت خواهیم پرداخت. حاکمیت (قدرت سیاسی) صرف‌نظر از مبانی آن، به تعدد دولت‌ها و تفاوت نظام‌های سیاسی، از طریق نهادهای مختلف اعمال و اجرا می‌گردد. بنابراین جهت بررسی آثار معاهدات بین‌المللی نسبت به حاکمیت، نیازمند بررسی تمام مدل‌های حاکمیتی و قوانین اساسی کشورها هستیم و این امری دشوار و بیهوده به نظر می‌رسد. روش منطقی و مناسب، انتخاب یک مدل رایج و مرسوم حاکمیتی، مثل مدل تفکیک قوا، و بررسی آثار معاهدات بین‌المللی نسبت به آن است تا هم امکان ارائه مطلب فراهم‌شده و هم به فراخور مباحث، اصول کلی موردنظر جهت انطباق با سایر مدل‌ها فراهم گردد. (ربکا والاس، ۱۳۸۲، ۱۶۶)

در نظام‌های سیاسی مردم‌سالار (جمهوری)، که از ویژگی‌های آن تفکیک قوا و تعدد نهادهای سیاسی است، حاکمیت غالباً به سه بخش تقسیم‌شده و با بیان کامل شرح وظایف آن‌ها، از طریق قوانین اساسی، قدرت سیاسی اعمال و اجرا می‌گردد. این سه بخش عبارت‌اند از: ۱- قوه مجریه. ۲- قوه مقننه. ۳- قوه قضائیه. نکته این‌که با توجه به این‌که، هر کدام از بخش‌های فوق عهده‌دار بعدی از ابعاد مختلف حاکمیت هستند، الزام ناشی از معاهدات بین‌المللی نیز در همان حیطه برایشان ایجاد می‌گردد. بنابراین اگر در یک نظام سیاسی، حاکمیت فاقد یکی از بخش‌های فوق باشد باید ملاحظه کرد که کارکرد آن نهاد به چه نهاد دیگری محول شده و همان نهاد است که التزامات ناشی از معاهدات بین‌المللی راجع به نهاد محذوف را نیز بر عهده خواهد داشت.

## گفتار اول نسبت به حکومت

### ۱- قوه مجریه

طبق عقیده اغلب علمای حقوق، معاهدات به‌خودی‌خود از منابع حقوق داخلی محسوب نمی‌شوند، زیرا معاهده تعهدی است که کشوری در قبال کشور دیگر بر عهده می‌گیرد و قاعده‌ای است که کشورها باید رعایت کنند و آن را به شیوه مناسب به مرحله اجرا گذارند. از این‌رو کشورها به ملاحظات عملی بیش از دلایل منطقی حقوقی توجه کرده و با وضع و صدور قاعده‌ای حقوقی و سند داخلی (قانون، فرمان و غیره) معاهدات بین‌المللی را به‌صورت مقررات درمی‌آورند.



این عمل در زمره وظایف قوه مجریه هر کشور است و هدف از آن، ایجاد الزام حقوقی برای معاهدات بین‌المللی در داخل کشورهای طرف معاهده، همچون قواعد داخلی است.

آنچه این ضرورت را توجیه می‌کند، تنها تشریفات و آیینی است که قوه مجریه با انجام آن، کلیه ارکان حکومتی و غیر حکومتی و افراد عادی مقیم در قلمرو کشور متعاقد را از انعقاد آن آگاه ساخته و دستور اجرای آن را می‌دهد. در این رابطه کشورها روش‌های متفاوتی را برگزیده‌اند که عموماً مشابه روشی است که در مورد شیوه اجرای قوانین عادی وجود دارد، از جمله در ایران، امضای نهایی معاهدات توسط رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی وی و انتشار آن‌ها در روزنامه رسمی کشور و سپری شدن مواعد قانونی است. (شاو، ۱۳۸۷، ۶۵)

## ۲- قوه مقننه

قوه مقننه همچون سایر قوای حکومتی موظف است معاهدات را پس از لازم‌الاجرا شدن و در چارچوب صلاحیت قانونی خود به مرحله اجرا گذارد. دامنه اجرای معاهدات توسط قوه مقننه معمولاً به اتخاذ تدابیر قانونی برای قابلیت اجرایی یافتن بهتر معاهدات در داخل کشورهای متعاقد محدود می‌شود؛ مسلماً رعایت معاهدات از سوی کشورها، زمانی بهتر تعیین خواهد شد که آن‌ها در سطح داخلی، تدابیری مؤثر اتخاذ کنند و این امر عمدتاً به عهده قوه مقننه است. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۸، ۳۲۱)

## ۳- قوه قضائیه

مقامات قضایی داخلی هر کشور، اعم از دادگاه‌های عالی یا غیر آن‌ها، دادیارها و امثال آن‌ها، موظف به اجرای معاهداتی هستند که کشور نسبت به آن‌ها ملتزم شده است.

اجرای معاهدات از سوی قوه قضائیه هر کشور متعاقد معمولاً در مأموریت کلی «گفتن حق» از ناحیه آن قوه نهفته است. زیرا هنگامی که معاهده‌ای وارد نظام داخلی می‌گردد مانند سایر قواعد حقوقی، در نظم حقوقی که قضات طبق وظیفه طبیعی و عادی خود، اجرای آن‌ها را تضمین می‌کنند جذب می‌شود.

بدیهی است مراجع قضایی داخلی تنها در دعاوی محدودی که مربوط به صلاحیت آن‌هاست، معاهدات را باید مدنظر قرار داده و در صورت لزوم مستند احکام خود سازند؛ از جمله در دعاوی بیگانگان و نقض معاهدات موجد حق در مقابل، قوه قضائیه هیچ‌کسوری صلاحیت رسیدگی به دعاوی و اختلافات کشورها و سازمان‌های بین‌المللی را در قبال یکدیگر ندارد، زیرا اصل مصونیت کشورها و سازمان‌های بین‌المللی او را از انجام این عمل بازمی‌دارد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۸، ۳۲).

## گفتار دوم نسبت به اشخاص عادی

اعمال اصل حسن نیت در اجرای تعهدات قراردادی موجب می‌شود. که معاهداتی به نظم حقوقی داخلی تحمیل و وارد شوند و متضمن حقوق و تکالیفی برای اشخاص عادی باشند. اینکه معاهده بتواند دارای اثر اجرایی به اشخاص عادی باشد، به قصد و نیت طرف‌های معاهده بستگی دارد.

موضوع هر موافقت‌نامه بین‌المللی با توجه به قصد طرف‌های متعاقد، پذیرش قواعدی است که می‌تواند تعیین‌کننده، مشخص و ایجادکننده حقوق و تکالیف برای اشخاص است و بدین لحاظ باید توسط دادگاه‌های داخلی ایجاد شود.

شناسایی حقوق و تکالیف برای اشخاص عادی، اعم از حقیقی و حقوقی، مقیم کشورهای متعاقد معمولاً مستلزم فرآیند خاصی است و آن عبور این‌گونه متعهدات قراردادی از طریق حقوق داخلی آن کشورهاست. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۲، ۱۰۷)

## گفتار سوم آثار معاهده نسبت به شخص ثالث

### ۱- اصل نسبی بودن

همان‌طوری که در حقوق داخلی اصل نسبیت قراردادهای پذیرفته شده است، در حقوق بین‌الملل نیز مورد قبول قرار گرفته است. مراد از این قاعده این است که معاهده مخصوصاً در مورد متعهدات لازم الاجراء است و برای شخص ثالث ایجاد حق و تکلیف نمی‌نماید. به عبارت دیگر اصل اولیه این است که معاهدات نسبت به شخص ثالث اثری ندارد و ایجاد حق و تکلیف چه به نفع و چه به ضرر او نمی‌کند. البته باید دانست که مراد از شخص ثالث شخص سوم نیست بلکه ممکن است نفر صدم باشد. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۸، ۱۰۷)

در حقوق بین‌الملل موضوعه، اصل بر این است که معاهدات تنها طرفین را نسبت به یکدیگر ملتزم می‌کند و باید توسط آنها اجرا شوند.

به بیان دیگر، معاهدات فقط در قبال طرف‌های متعاقد دارای آثار حقوقی هستند و این قاعده را اصل نسبی بودن معاهدات می‌نامند. مفهوم مخالف این اصل آن است که معاهدات نمی‌توانند غیر متعاهدین ثالث را ملتزم کنند.

ماده ۳۴ عهدنامه‌های حقوق معاهدات با بیان این نکته که یک معاهده نمی‌تواند بدون رضایت ثالث برای او حقوق و تعهداتی به وجود آورد، اصل نسبی بودن معاهدات را تدوین نموده است. اصلی نسبی بودن معاهدات را می‌توان با توجه به نوع معاهدات تفکیک نمود

## ۲- معاهدات موجد حق برای ثالث

طرف‌های یک معاهده می‌توانند، ثالث، اعم از کشور یا سازمان بین‌المللی، را از مقررات آن معاهده بهره‌مند سازند، به شرطی که

- اولاً قصد آن‌ها اعطای چنین حقی به ثالث باشد

- ثانیاً با این عمل آن‌ها موافق باشد.

تا زمانی که ثالث نظر خود را اعلام نکرده، رضایت او مفروض است. البته، خود معاهده می‌تواند شرایط و ضوابط دیگری را برای برخورداری ثالث از مقررات معاهده مقرر دارد. کشور با سازمان بین‌المللی که حق به نفع خود را اعمال می‌کند. (عنایت، ۱۳۷۰، ۵). الغای حق ثالث یا جرح و تعدیل در آن نیز بدون رضایت ثالث ممکن نیست مگر آنکه مسلم شود که قصد طرف‌های معاهده آن بوده که آن حق بدون موافقت ثالث قابل الغایا جرح و تعدیل باشد. (بند ۲ ماده ۳۷ عهدنامه‌های حقوق معاهدات).

## ۳- معاهدات موجد تکلیف برای ثالث

مقررات هیچ معاهده‌ای نمی‌تواند متضمن ایجاد تعهد با تکلیفی برای ثالث، اعم از کشور یا سازمان بین‌المللی باشد، مگر آنکه

- اولاً قصد طرف‌های آن معاهده چنین باشد

- ثانیاً ثالث خود نیز کتبا و صریحاً انجام چنین تعهدی را بپذیرد (ماده ۳۵ عهدنامه‌های حقوق معاهدات)

الغای تکلیف ثالث یا جرح و تعدیل در آن نیز بدون موافقت طرف‌های معاهده و ثالث ممکن نخواهد بود، مگر آنکه محرز شود که آن‌ها به گونه دیگری توافق کرده‌اند (بند ۱ ماده ۳۷ عهدنامه‌های حقوق معاهدات).

## مبحث چهارم؛ استثنائات شخص ثالث در ماده ۲۰ کنوانسیون وین

تائید اصل نسبی بودن معاهدات، با تکیه بر گزارش سال ۲۰۱۸ در حقوق بین‌الملل نفی‌کننده استثنای وارد بر آن‌ها نیست، معاهدات می‌توانند دارای آثار مفیدی برای ثالث باشند، اما در مقابل، امکان دارد تعهدات و الزاماتی نیز در کشورها یا سازمان‌های بین‌المللی ثالث تحمیل نمایند. هرگاه طرف‌های یک معاهده کشور ثالث لازم‌الاتباع است. (فلسفی، ۱۳۷۹، ۷۲۵).

## گفتار اول الحاق

عملی حقوقی است که به وسیله آن کشور با سازمان بین‌المللی ثالثی که با قبول شرایط و مفاد معاهده و اعلام رضایت به التزام در قبال آن، به جمع متعاهدان می‌پیوندد. در نتیجه از حقوق که در آن معاهده منظور شده بهره‌مند می‌شود و در مقابل، تعهدات و التزامات مندرج در معاهده نیز بر آن تحمیل می‌گردد. شرایط و چگونگی الحاق معمولاً در هر معاهده پیش‌بینی می‌شود. (کاسسه ۱۳۸۵، ۹۸)

الحاق عملی است حقوقی که به وسیله آن، کشور یا سازمان بین‌المللی ثالثی، با قبول شرایط و مفاد معاهده و اعلام رضایت به التزام در قبال آن، به جمع متعاهدین می‌پیوندد. در نتیجه از حقوقی که در آن معاهده منظور شده، بهره‌مند می‌شود و در مقابل تعهدات و الزامات مندرج در آن نیز به وی تحمیل می‌گردد.

البته این شرایط و چگونگی الحاق در هر معاهده‌ای معمولاً پیش‌بینی می‌شود. الحاق ممکن است باز (منشور ملل متحد) و یا فقط به روی برخی کشورها (پیمان اتحادیه عرب) باز باشد.

علاوه بر آن، ممکن است مشروط یا غیر آن باشد. مانند پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) منوط به موافقت کلیه طرف‌های پیمان است. (ماده ۱۰).

و یا الحاق به منشور و عضویت در سازمان ملل متحد تابع شرایط خاصی است کنوانسیون وین نیز الحاق را یکی از شیوه‌های اعلام رضایت به التزام در قبال معاهده دانسته است، که انجام آن منوط به پیش‌بینی در معاهده یا توافق طرف‌های مذاکره و یا توافق بعدی کلیه طرف‌های معاهده است. (مدنی، ۱۳۹۴، ۶۵)

## گفتار دوم معاهدات قانون ساز یا عام

معاهدات قانون ساز که در برابر معاهدات در حکم قرارداد قلمداد می‌شوند، قواعدی حقوقی هستند که از لحاظ عینی و بدون توجه به خصوصیات طرف‌های پیمان، اعتبار دارند و علامت مشخص آن یکسانی محتوا و یا مضمون آن است که طرف‌ها بر سر حصول آن توافق کرده‌اند.

همانند کنوانسیون‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه و ژنو در مورد حقوق درگیری‌های مسلحانه و منشور ملل متحد.

برابر ماده ۳۸ کنوانسیون، این‌ها معاهداتی هستند که بدون رضایت ثالث، برای او ایجاد حق و تکلیف می‌کنند. این معاهدات تدوین‌کننده قواعد عرفی یا در قالب عرف هستند. و یا دسته‌ای دیگر توصیف وضعیت‌های مشخص و عینی هستند و آثاری

بادوام را در مدت زمانی طولانی به بار می‌آورند. این وضعیت‌ها نه تنها به نافع متعاهدین، بلکه به منافع سایر کشورها نیز مربوط می‌شوند و از این رو عملاً مستدام هستند. (ممتاز، ۱۳۸۶، ۹۸). مثال: معاهدات مربوط به آبراه‌های بین‌المللی، معاهدات حقوق بشری، قراردادهای مرزی. دو کشور قرارداد مرزی باهم منعقد می‌کند بدون اینکه کشورهای دیگر راضی باشد با این وجود تمام کشورها موظف هستند تا آن قرارداد را به رسمیت بشناسند. این مسئله یک استثنای واقعی از اصل نسبی بودند معاهده است.

### گفتار سوم- معاهدات متضمن قواعد آمره

معاهدات که در بردارنده قواعد آمره هستند برای همه لازم‌الاجرا است. ماده (۶) ماده (۲) منشور ملل متحد می‌گوید: (سازمان مراقبت خواهد کرد کشورهای که عضو ملل متحد نیستند تا آنجا که برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ضروری است بر طبق این اصول عمل نماید.) معاهدات مربوط به «بی‌طرفی» کشورها نه تنها از سوی متعاهدین بلکه از سوی کلیه کشورهای غیر عضو نیز لازم‌الرعايه است.

### گفتار چهارم- منشور ملل متحد

از جمله معاهدات مهمی که دولت‌های ثالث موظف به رعایت اصول آن هستند، «منشور ملل متحد» است، به موجب بند ۶ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد مراقبت خواهد کرد که دولت‌هایی که عضو ملل متحد نیستند تا آنجا که برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ضروری است بر طبق این اصول عمل کنند. از مفاد ماده مذکور چنین استناد می‌شود که مقررات مندرج در منشور علی‌رغم عدم عضویت کشورهای ثالث در منشور به آن‌ها تحمیل می‌شود. (موسی زاده، ۱۳۹۵، ۶۸).

۴-۶- انتفاع کشور ثالث از معاهده بر طبق ماده ۲۵ کنوانسیون وین با تکیه بر گزارش سال ۲۰۱۸ در حقوق بین‌الملل کشور ثالث می‌تواند به دو شکل از معاهدات بین‌المللی منتفع شود:

#### ۱- به محض انعقاد معاهده

در این زمینه می‌توان از معاهدات مربوط به «راه‌های ارتباطی» یاد کرد. در این دسته از معاهدات، علاوه بر این که کشورهای طرف معاهده نفع می‌برند، کشورهای ثالث نیز خواه‌ناخواه از آن بهره‌مند می‌شوند. در معاهدات مربوط به ارتباطات دریایی یا حمل‌ونقل جاده‌ای، حق عبور و مرور به‌طور عام نسبت به همه کشورها اعم از کشورهای عضو و غیر عضو (ثالث) یکسان اعمال می‌شود. (موسی زاده، ۱۳۸۰، ۸۷). مثال: چنانچه بر اساس موافقت‌نامه‌ای بین ایران و ترکیه جاده‌ای احداث شود، طبعاً اتباع سایر کشورها نیز می‌توانند از این جاده استفاده کنند.

## ۲- بر اساس مقررات موضوعه قبلی

### ۲-۱ قید دولت کامله الوداد

این شرط معمولاً بین کشورهای که بیشترین دوستی و مودت را دارند، مصداق پیدا می‌نماید. دو کشور در معاهدات بازرگانی، کنسولی، کشتیرانی و امثال آن شرطی را قرار می‌دهد که به موجب آن دو طرف متعهد می‌شود چنانچه هریک از آن‌ها در آینده برای کشور ثالث امتیازات بیشتر در همان موضوع قائل شوند و یا قبلاً قائل شده باشند، طرف دیگری معاهده می‌تواند بدون هیچ‌گونه تشریفات از آن امتیاز استفاده نماید. مطابق این شرط اگر کشور (ب) با کشور (ج) قراردادی را منعقد نماید که سود و امتیاز بیشتری از معافیت را به کشور (ج) بدهد، قهراً کشور (الف) از آن برخوردار می‌شود، درحالی که کشور (الف) عضو قرارداد دوم نبوده است. در ظاهر این مورد از استثنای اصل نسبی بودن معاهده است اما اگر به ماهیت قضیه توجه کنیم درمیابیم که این مورد نیز از استثنای قاعده نسبییت معاهده محسوب نمی‌شود. زیرا هرچند کشور (الف) عضو معاهده نبوده است اما در معاهده اول توافق و رضایت خود را اعلام داشته است. قید کلمه کامله الوداد هرچند بیشتر جنبه دوجانبه و محدود دارد، اما امروز از این چهارچوب فراتر رفته و در مواردی به صورت چندجانبه، منطقه‌ای و حتی جهانی متجلی شده است.

نمونه بارز جلوه جهانی این قید را می‌توان در ماده یک مقررات گات یافت که بنا بر آن کلیه امتیازات، منافع، مزایا یا مصونیت‌های اعطاشده از سوی یک طرف متعهد در مورد یک محصول اصلی یا به مقصد سایر کشورها، بلافاصله و بدون قید و شرط، به هر محصول مشابه اصلی یا به مقصد سرزمین تمامی کشورهای متعهد دیگر تسری پیدا می‌کند. (موسی زاده، ۱۳۹۳، ۱۵۴)

البته کنوانسیون وین در مورد نظام حقوقی آن سکوت کرده است، در نتیجه این موضوع عملاً تابع عرف بین‌المللی است. خاطر نشان می‌سازد که این قید ممکن است معاهدات پیشین یا پسین را شامل شود. لذا امتیازاتی که از این رهگذر شامل ثالث می‌شود تا زمانی است که معاهده قبلی یا بعدی به عنوان معاهده امتیاز دهنده پابرجا باشد.

اما اینکه حقیقتاً این قید استثنائی بر قاعده نسبی بودن است جای درنگ است.

- اولاً معاهده پایه متضمن تعهدی به نفع ثالث نیست، بلکه تعهدی به نفع طرف‌های معاهده است.

\_ ثانیاً حقی که برای ثالث ایجاد می‌شود، ناشی از معاهده امتیاز دهنده نیست بلکه از معاهده پایه است که در این معاهده ثالث وجود ندارد.

- ثالثاً این قید در واقع رجوع به معاهده دیگر است.

- رابعاً چنین قیدی برای پیوند دادن معاهداتی است که ارتباطی با یکدیگر ندارند بنابراین این قید استثنائی بر اصل مزبور نیست، بلکه تنها پیونددهنده وضعیت ایجادشده توسط یک معاهده و وضعیت ترجیحی یک معاهده دیگر است. (عنایت، ۱۳۹۰، ۹۸)

## ۲-۱۲ اصل تعهد به نفع ثالث

اصل تعهد به نفع ثالث در واقع شناسایی حقوق قراردادی از سوی کشورهای عضو این معاهده به نفع کشور ثالث است، به عبارت دیگر، کشور ثالث به موجب مقررات معاهده‌ای که بین کشورهای دیگر منعقدشده است از حقوق خاصی منتفع می‌شود.

این اصل که در حقوق داخلی پذیرفته شده است، در مناسبات بین‌المللی به دیده تردید نگریسته می‌شود. رویه و عملکرد بین‌المللی نیز اصل فوق را چندان مورد تأیید قرار نداده است. تنها موردی که در رویه قضایی بین‌المللی، حق کشور ثالث (یعنی حقی که به موجب معاهده منعقد به نفع ثالث به وجود آمده) محترم شناخته شده است، مورد قراری است که دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی روز هفتم ژوئن ۱۹۳۲ در موضوع دعوای بین فرانسه و سوئیس راجع به منطقه «ژکس» (GEX) و ایالات ساوواای علیا صادر نموده است. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۲، ۶۵)

اجرای موقت معاهدات طبق ماده ۲۵ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ یکی از مباحث پیچیده و حیاتی در حقوق بین‌الملل است که به‌ویژه در روابط دیپلماتیک و حقوقی میان کشورها اهمیت زیادی دارد. ماده ۲۵ این کنوانسیون به کشورهای طرفین معاهده این امکان را می‌دهد که قبل از لازم‌الاجرا شدن کامل معاهده، برخی از مفاد آن را به‌طور موقت به اجرا درآورند. این امکان، به‌ویژه در مواقعی که کشورها به دلایل اضطراری یا فوری نیاز به اجرای برخی از بخش‌های معاهده دارند، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. مقاله حاضر به تحلیل آثار حقوقی اجرای موقت معاهدات طبق این ماده و همچنین بررسی آن در چارچوب گزارش ۲۰۱۸ کمیسیون حقوق بین‌الملل پرداخته است. ماده ۲۵ کنوانسیون وین بر اساس اصل این است که معاهدات معمولاً زمانی لازم‌الاجرا می‌شوند که تمامی طرفین آن را تصویب کرده و تمامی فرآیندهای قانونی داخلی انجام شده باشد. با این حال، امکان اجرای موقت معاهده پیش از این مرحله، شرایط ویژه‌ای را برای کشورهای طرفین فراهم می‌آورد. این نوع اجرای موقت معاهده می‌تواند در مواردی که تعهدات معاهده فوریت دارند و باید به‌سرعت اجرایی شوند، مفید واقع شود. در چنین شرایطی، اجرای موقت می‌تواند پیش از رسمی شدن کامل معاهده، برخی از اثرات آن را به‌طور جزئی به اجرا درآورد و از این طریق طرفین معاهده بتوانند گام‌هایی را در جهت اجرای مفاد آن بردارند. گزارش ۲۰۱۸ کمیسیون حقوق بین‌الملل به‌ویژه برای این موضوع تأکید دارد که چنین اجرای موقتی باید با دقت و مطابق با اصول شناخته‌شده حقوقی بین‌الملل صورت پذیرد.

اجرای موقت معاهده بر اساس ماده ۲۵ کنوانسیون وین از یک سو ممکن است به کشورهای طرفین معاهده اجازه دهد تا تعهدات خود را به‌طور پیش‌دستی اجرا کنند، اما از سوی دیگر، ممکن است به مسائل حقوقی و چالش‌های جدیدی منجر شود که نیاز به مدیریت دقیق دارد. به‌عنوان مثال، اگر معاهده‌ای که در حال اجرای موقت است، نیاز به اصلاحات یا تعدیلات در قوانین داخلی کشورهای طرف داشته باشد، این تغییرات باید در سطح ملی به تصویب برسند، که این فرآیند ممکن است باعث تعارضات میان حقوق داخلی و بین‌المللی شود. به همین دلیل، نظارت و مشاوره حقوقی مستمر برای کشورهای طرفین معاهده ضروری است. ماده ۲۰ کنوانسیون وین نیز از دیگر مباحث مهم در رابطه با آثار حقوقی معاهدات است. این ماده تأکید دارد که معاهدات تنها بر طرفین آن اثر می‌گذارند و نمی‌توانند به‌طور مستقیم بر کشورهای ثالث تأثیر بگذارند، مگر آنکه در خود معاهده پیش‌بینی شده باشد. با این حال، در صورتی که معاهده‌ای به‌طور موقت به اجرا درآید، ممکن است برخی از آثار آن به کشورهای ثالث منتقل شود، به‌ویژه در شرایطی که اجرای موقت معاهده به‌طور غیرمستقیم به نفع کشورهای ثالث باشد. گزارش کمیسیون حقوق بین‌الملل در این زمینه به‌ویژه تأکید دارد که در برخی از معاهدات، ممکن است کشورهایی که جزو طرفین معاهده نیستند، از آثار آن بهره‌مند شوند یا تحت تأثیر آن قرار گیرند. این موضوع به‌ویژه در معاهدات اقتصادی یا امنیتی اهمیت پیدا می‌کند که ممکن است کشورهای ثالث بخواهند از مزایای آن بهره‌مند شوند.



آثار معاهده نسبت به حکومت‌ها نیز از دیگر ابعاد مهم این بحث است. در صورتی که معاهده‌ای به طور موقت اجرا شود، حکومت‌های کشورهای طرف باید اقدامات اجرایی لازم را برای تطبیق معاهده با قوانین داخلی خود انجام دهند. این امر می‌تواند شامل تصویب قوانین جدید یا تغییرات در سیاست‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی باشد که نیازمند هماهنگی دقیق با تعهدات بین‌المللی است. بنابراین، اجرای موقت معاهده نه تنها به طور مستقیم بر روابط بین‌المللی تأثیر می‌گذارد، بلکه ممکن است دولت‌ها را ملزم کند که اصلاحات داخلی انجام دهند تا با مفاد معاهده منطبق شوند. در کنار این، استثنائات حقوقی در اجرای موقت معاهدات نیز مسئله‌ای مهم است. در برخی شرایط، معاهده ممکن است برای کشورهای ثالث آثار حقوقی ویژه‌ای داشته باشد. به طور مثال، در مواردی که معاهده‌ای به طور موقت به اجرا درآید، ممکن است برخی از کشورها که به طور مستقیم طرف معاهده نبوده‌اند، از مزایای آن بهره‌مند شوند. این امکان می‌تواند به ویژه در معاهدات تجاری و اقتصادی دیده شود، جایی که کشورهای ثالث ممکن است در موارد خاص اجازه استفاده از مزایای معاهده را پیدا کنند. این مسائل باعث می‌شود که نیاز به بررسی دقیق‌تر و تحلیلی عمیق‌تر از شرایط و جزئیات معاهدات به ویژه در مرحله اجرای موقت، ضروری باشد.

نکته دیگری که در تحلیل آثار حقوقی اجرای موقت معاهدات مهم است، انتفاع کشورهای ثالث از معاهده طبق ماده ۲۵ است. ماده ۲۵ کنوانسیون وین به ویژه بر این موضوع تأکید دارد که اجرای موقت معاهدات می‌تواند به طور غیرمستقیم و با توافق طرفین معاهده، موجب بهره‌مندی کشورهای ثالث از برخی از مزایای معاهده شود. به عنوان مثال، در برخی معاهدات تجاری، کشورهای ثالث می‌توانند از تسهیلات اقتصادی یا تجاری که از اجرای موقت معاهده ناشی می‌شود، بهره‌مند شوند. این امر باعث می‌شود که کشورهایی که به طور مستقیم جزو طرفین معاهده نیستند، در برخی مواقع از آثار مثبت آن بهره‌مند شوند. در نهایت، می‌توان گفت که اجرای موقت معاهدات طبق ماده ۲۵ کنوانسیون وین، علاوه بر اینکه فرصتی برای تسریع در انجام تعهدات بین‌المللی فراهم می‌آورد، پیچیدگی‌ها و چالش‌های حقوقی قابل توجهی به ویژه در سطح داخلی و بین‌المللی ایجاد می‌کند. کشورهای طرفین معاهده باید این موارد را به طور دقیق در نظر بگیرند و با مشاوره‌های حقوقی مستمر، اطمینان حاصل کنند که اجرای موقت معاهده با رعایت اصول حقوق بین‌الملل و قوانین داخلی آن‌ها صورت پذیرد. گزارش ۲۰۱۸ کمیسیون حقوق بین‌الملل در این زمینه به ویژه به عنوان یک منبع مهم تحلیلی برای کشورهای طرف معاهده و حتی کشورهای ثالث قابل توجه است، زیرا این گزارش به وضوح ابعاد مختلف اجرای موقت معاهدات را توضیح داده و تأکید دارد که اجرای موقت باید به گونه‌ای انجام شود که منافع تمامی طرفین حفظ گردد و حقوق بین‌الملل رعایت شود.

- اف. دکر. اچ. جی. پست (۱۳۹۲)، جنگ عراق علیه ایران، ترجمه: دفتر خدمات حقوق بین الملل، مجله حقوقی، ش. ۱۳.
- برانلی، یان (۱۳۶۵)، نظری اجمالی بر حقوق معاهدات، ترجمه احمد قطینه، مجله حقوقی، شماره ۵، ۱۳۶۵.
- پطرس عالی، (۱۳۴۹) جنبش آفریقایی، آسیائی، ترجمه دکتر فرج ا. ناصر، انتشارات خردمند. تهران.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸)، ترمینولوژی حقوق، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ بیستم.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۰) ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ یازدهم،
- حکمت. محمدعلی (۱۳۶۴)، تأثیر تغییر اوضاع و احوال در اعتبار معاهدات و قراردادهای بین المللی، مجله حقوقی، شماره ۳، پائیز و زمستان ۱۳۶۴
- ذوالعین، پرویز (۱۳۷۷)، مبانی حقوق بین الملل عمومی، تهران: وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات، چاپ اول،
- ربکا والاس. (۱۳۸۲) «حقوق بین الملل»، ترجمه: سید قاسم زمانی، مهناز بهراملو، چاپ ۶ تهران،
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۹۳) حقوق جنگ، تهران: انتشارات دانشگاه علامه، چاپ اول
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۸۸) حقوق معاهدات بین المللی، گنج دانش، چاپ پنجم، تهران
- مدنی، سید جلال الدین، (۱۳۹۴) حقوق بین الملل عمومی و اصول روابط دول، تهران، نشر همراه، جلد اول، چاپ اول
- موسی زاده، رضا، (۱۳۸۰) بایسته های حقوق بین الملل عمومی، تهران، میزان، چاپ اول
- موسی زاده، رضا، (۱۳۹۷) حقوق معاهدات بین المللی، تهران، نشر میزان، دادگستر، چاپ اول